

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری یا توقف فعالین کارگری؟

سرمایداری در ایران همراه با مدافعینش با همه امکانات و دستگاه سرکوبی که در اختیار دارند همیشه در تلاش برای خفه و سرکوب کردن جنبش کارگری بوده و هستند. هدایای ارزشمندی که برای این طبقه زبردست به ارمغان آورده‌اند جز فقر و فلاکت، بیکاری، اعتیاد، زن ستیزی و خفه کردن هر گونه صدای حق‌طلبی و آزادیخواهی به شیوه وحشیانه، چیز دیگری نبوده است. اگر چه بورژوازی همیشه طبقه کارگر را از این هدایای خود بی‌بهره نکرده است اما هیچگاه مجوز نفوذ سیاسی بر این جنبش را نداشته و این رویای چندین ساله‌اش هنوز در خیالات ژرفش باقیمانده است. به وضوح می‌بینیم که، کارگران با اعتصابات و اعتراضات خود چگونه حامیان جهل و سرمایه را به لرزه در می‌آورند و در تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل خود هستند، اگرچه تمام تلاش دولت، خفه کردن اعتراضات و اعتصابات کارگری و جلوگیری از ایجاد تشکل کارگری است و هر بار بیرحمانه حملات شدیدی به این طبقه وارد میکند اما باز هم شاهد این جنگ طبقاتی هستیم، که در راستای آن، کارگران شرکت واحد توانستند تشکل خود را درست کنند و این نقطه عطفی برای تمام جنبش کارگری در ایران است و میتوان از آن درسها و تجارب ارزنده‌ای کسب کرد.

در یک شرایط خاص سیاسی، که سرمایداری ایران و بخشاً رژیم اسلامی برای مهار جنبش کارگری فراهم کردند کمیته‌های مختلفی برای سازمان دادن و رهبری کردن توده کارگر در جهت ایجاد تشکل کارگری عرض اندام کردند، که از جمله کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در این شرایط خاص سیاسی اعلام موجودیت کرد که خواهان ایجاد تشکلات مستقل کارگری شد و تعداد زیادی از فعالین کارگری را به عضویت خود درآورد. میتوان گفت که اختلاف کمیته هماهنگی با کمیته‌های دیگر در این بود که، خواهان ایجاد نوعی از تشکل کارگری بود که رژیم در آن هیچگونه دخالتی نداشته باشد اما این خواست نه تنها عملی نشد بلکه تعداد زیادی از رهبران و فعالین کارگری را به خود مشغول کرده و فقط در فکر بزرگ کردن خود است. ایجاد تشکلهای کارگری توسط کمیته هماهنگی فقط به یک آرزو تبدیل شده و عملاً هیچگونه تلاشی از طرف کمیته برای رسیدن به این آرزو صورت نگرفته است.

تاکتیکها و فنون جدید بورژوازی در هر دوره‌ای، راهکارهای تازه‌ایی میطلبد که فعالین کارگری باید با هوشیاری با آن مقابله کنند و باید تفاوت‌های گرایش سوسیالیستی و رادیکال را با سایر گرایشات نیز مشخص سازند. آنچه که به کمیته هماهنگی برمیگردد، **یکی از گرایشات** موجود در درون کمیته هماهنگی گرایشی است کاملاً راست، منفرد و مشکل ساز که میتوان عامل آن را همان تاکتیکهای جدید بورژوازی به حساب آورد و در واقع توده کارگر را برای نرسیدن به ایجاد تشکل

سوق میدهد. این نوع گرایش تلاش بر این دارد که از هویت فعالین و چهره‌های سرشناس کارگری در جهت سیاستهای شوم (و یا شاید کسب شخصیت) به هر قیمتی بهره ببرد. تحقق مطالبات حداقل و فوری طبقه کارگر در عرصه مبارزه اقتصادی و سیاسی، تنها میتواند به نیروی یک **جنبش سوسیالیستی کارگری** به بورژوازی و دولت ایران تحمیل گردد. قبلاً اشاره کردم که چگونگی ایجاد تشکل کارگران شرکت واحد کاملاً آموزنده است و حتی قبل از اعلام موجودیت کمیته هماهنگی، کارگران شرکت واحد تشکل خود را درست کردند. پس وجود این نوع گرایش (گرایش راست) با برنامه‌ایی نامشخص در نقطه رهبری کمیته هماهنگی هیچگاه نمیتواند تحلیلی واقعی از اوضاع و احوال سیاسی موجود از زاویه چپ برای کارگران ایران داشته باشد و متأسفانه فعالین کارگری را به خود مشغول ساخته است، فعالین کارگری باید فوراً در فکر ایجاد تشکل کارگری خودشان باشند و هرگونه گرایش راستی، که در به تعویق انداختن ایجاد تشکل کارگری نقش ایفا میکند را از دور سازند.

کامبیز خداجو